فصلنامه علمی مرمت و معماری ایران
سال نهم، شماره نوزدهم، پاییز ۱۳۹۸

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۵/۰۱
پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۲۱

ارزیابی نظام رنگی منظر بافت‌های تاریخی با رویکرد ادراک زیباشناختی منظر شهری؛ مورد پژوهی: محله حسن‌آباد اصفهان*

رضا ابویی** محمود قلعه‌نویی*** بهاره تدین****

چکیده

منظر، دیدگاهی نو در ارتباط انسان و محیط و نحوه تفسیر فضا ارائه می‌دهد. دیدگاه نوین منظر به محیط و فضای زیست انسان، حاصل تغییر در نگاه سنتی و کلاسیک به رابطه انسان و محیط است. با این نگاه، رویکرد «حفاظت از مناظر شهری تاریخی» که تحت عنوان HUL شناخته می‌شود، یکی از رویکردهای نوینی بوده که جهت پاسخ‌گویی و حفاظت گسترده از منظر مراکز تاریخی شهرها ارائه شده است. تلاش این رویکرد بر آن است تا با یک نگاه مکان‌محور، چشم‌انداز حفاظت تاریخی را به کلیه ارزش‌های تاریخی فرهنگی که در منظر شهرهای تاریخی بروز می‌یابند، گسترش دهد. یکی از مؤلفه‌هایی که می‌تواند در این میان مورد توجه ویژه قرار گیرد، "نظام رنگی" منظر بافت‌های تاریخی بوده که بازتابی از هویت و فرهنگ بومی مکان است. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر آن است که "نظام رنگی" منظر بافت‌های تاریخی با نگاه ویژه به کیفیت‌های دخیل در ادراک زیباشناختی منظر، مورد شناسایی، تحلیل و ارزیابی قرار گیرد و معیارهای ارزیابی در هر دسته از کیفیت‌های زیباشناختی ادراک منظر رنگی، مشخص شوند. روش پژوهش در این مقاله، توصیفی و تحلیلی است؛ بدین منظور، پس از بررسی مبانی و دست‌یابی به چارچوب نظری پژوهش، معیارهای ارزیابی بر اساس چهار گروه کیفیت دخیل در ادراک زیباشناختی مکان استخراج شده و در محله حسن‌آباد با استفاده از تکنیک‌های پرسش‌نامه و دلفی مورد ارزیابی قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان دادند بهره‌گیری از الگوهای رنگی دارای پیشینه نمادین در معماری مکان، استفاده از مصالح بوم‌آورد، تلفیق منظر طبیعی و مصنوع و حفاظت از پالت رنگی واجد ارزش در ساخت‌وسازهای جدید، نقش تعیین‌کننده در ارتقای ادراک زیباشناختی نظام رنگی منظر بافت‌های تاریخی ایفا می‌نمایند.

کلیدواژه‌ها: نظام رنگی، منظر، ادراک زیباشناختی، بافت‌های تاریخی، محله حسن‌آباد اصفهان

---

*این مقاله برگرفته از رساله دکتری بهاره تدین با عنوان «تدوین مدل حفاظت نظام رنگی منظر بافت‌های تاریخی با تأکید بر اصول ادراک زیباشناختی منظر شهری؛ مورد پژوهی: بافت تاریخی اصفهان» به راهنمایی دکتر رضا ابویی و دکتر محمود قلعه‌نویی در دانشگاه هنر اصفهان در دست تدوین است.

** دانشیار، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان (نویسنده مسئول). r.abouei@aui.ac.ir
*** دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان. m.ghalehnoee@aui.ac.ir
**** پژوهشگر دکتری مرمت بافت‌های تاریخی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان. bahareh.tadayon@gmail.com

مقدمه

سیر تحولات و نظریات موجود در ارتباط با شهر و فضای زندگی نشان می‌دهد که نگاه اولیه به موضوع شهر، نگاهی تک بعدی بوده که صرفاً برای بهبود شرایط، ابعاد کالبدی را مد نظر قرار داده است و جنبه‌های اجتماعی و معنایی آن، در این رویکرد مورد غفلت قرار گرفته‌اند. نظریه منظر، چنین نگاهی را در هم می‌شکند و از دریچه دیگری به شهر نگریسته و آن را موجودی مستقل از زمان و مکان نمی‌پندارد که تنها در ابعاد کالبدی معنا شود، بلکه شهر را موجودی پویا تصور می‌نماید که همواره در حال تغییر و تحول است و به انسان، نه به‌عنوان موجودی مستقل از شهر، که به‌عنوان جزئی جدایی‌ناپذیر از مفهوم شهر می‌نگرد. سیر تاریخی مرمت شهری نیز نشان می‌دهد بعضی از نظریه‌ها به‌ویژه نظریه‌های متقدم، بر حفظ ویژگی‌های کالبدی به‌جا مانده از گذشته بدون هیچ‌گونه دست‌خوردگی تأکید دارند (اصل حداقل مداخله[1]). برخی، ابعاد «زیبایی‌شناسانه» این آثار را در نظر داشته و در پی محافظت از آنها هستند. برای برخی، ارزش عاطفی، فرهنگی و تاریخی آثار، واجد اهمیت است و برخی نیز آنها را یک نماد اجتماعی تلقی می‌کنند. به نظر می‌رسد مفهوم نوین منظر می‌تواند در این زمینه راهگشا بوده و تعاملی هدفمند را میان ابعاد مختلف مطرح در امر محافظت بافت‌های تاریخی فراهم آورَد. بر همین اساس، اصطلاح «منظر فرهنگی»[2] که از حدود دو دهه قبل در ادبیات میراث وارد شده است، اشاره به مفهومی دارد که تعامل فرهنگ، طبیعت و محیط زندگی انسان را در طول زمان مورد کنکاش قرار می‌دهد.

بررسی سند «یادنامه وین»[3] که در سال 2005 و در قالب همایش بین‌المللی «میراث جهانی و معماری معاصر- مدیریت منظر فرهنگی شهرها»[4] زیر نظر یونسکو و کمیته جهانی میراث برگزار شد[5]، نشان می‌دهد مناظر شهری تاریخی به‌عنوان جزئی از مناظر فرهنگی، شایسته محافظت و گرامیداشت بوده؛ اما از سوی دیگر، به‌سبب نو بودن این مفهوم چه در قالب این سند و چه اسناد مشابه، تعاریف جامع و دستورالعمل‌های مشخصی ارائه نشده‌اند. نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت این است که در این یادنامه و سایر اسناد معتبر تأکید شده که در زمینه محافظت منظر فرهنگی شهرها آنچه اهمیت بسیار دارد، شناسایی مؤلفه‌ها و عناصر زمینه‌ای و بومی در هر مکان است و این اسناد، تنها روند و پیشنهادهای کلی را مورد توجه قرار می‌دهند. گستردگی اجزا و عوامل دخیل در شکل‌گیری منظر ایجاب می‌نماید که هر یک از این عناصر با توجه به ماهیت خود، بررسی شده و بر این اساس، تمرکز پژوهش حاضر، بر پارامتر «رنگ» قرار گرفته است. رنگ‌ها به‌سبب دارا بودن نقش‌های روان‌شناسانه، زیباشناسانه و نمادین، با فرهنگ ملت‌ها عجین شده و در ضمیر ناخودآگاه جمعی آنان ثبت شده‌اند. بنابراین، شناخت ویژگی‌های رنگ در جهت به‌کارگیری بهینه آن در خلق محیط‌ها و فضاهای شهری مطلوب، ضروری به نظر می‌رسد و بافت‌های تاریخی نه‌تنها از این قاعده مستثنی نیستند، بلکه به‌سبب وجود الگوهای ارزشمند در آنها، این امر اهمیت دوچندان می‌یابد. بزرگ‌ترین مسئله‌ای که لزوم مطالعات رنگ در بافت‌های تاریخی را مطرح می‌سازد و سبب شکل‌گیری پژوهش‌های گوناگون در نقاط مختلف جهان شده، تغییر در روند نظام ساخت‌وساز سنتی و عدم بهره‌گیری از مصالح بومی مکان در دوره‌های اخیر است. در جریان مرمت تا دهه‌های اخیر، از مصالح بومی استفاده می‌شده است، بنابراین نگرانی چندانی در رابطه با عدم هم‌خوانی در انتخاب مصالح جایگزین وجود نداشت و به‌صورت ناخودآگاه، هماهنگی رنگ نیز برقرار می‌شد؛ اما با ورود مصالح جدید که هیچ‌گونه هم‌خوانی با زمینه بافت تاریخی نداشتند، این معادله بر هم خورده و روز به روز خدشه بیشتری بر چهره بافت‌های تاریخی وارد آمده است. بدین ترتیب، این موضوع به‌عنوان یک دغدغه، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت و زمینه‌ساز مطالعات جامعی شد که فرانسه، انگلیس و نروژ پیشگامان آنها هستند؛ مسئله‌ای که در ادبیات محافظت و بازآفرینی در بافت‌های تاریخی ایران، مورد غفلت قرار گرفته است. بر همین اساس، این پژوهش، تلاشی به‌منظور پرداختن به ویژگی‌های زیباشناختی رنگ و شیوه ارزیابی آن، به‌عنوان یک مؤلفه تأثیرگذار در بافت‌های تاریخی است. اکنون سؤال اساسی اینجا است که چه کیفیت‌هایی در ادراک زیباشناختی "نظام رنگی" منظر بافت‌های تاریخی دخیل هستند؟ و هر یک از این کیفیت‌ها، بر اساس چه معیارهایی قابل‌سنجش و مقایسه بوده‌اند؟ تا از این رهگذر بتوان حضور رنگ در بافت‌های مختلف تاریخی را با توجه به زمینه موجود، مورد سنجش و ارزیابی قرار داد و راهکارهای حفاظتی منطبق با بستر را ارائه نمود.

پیشینه پژوهش

رنگ‌ها، به‌عنوان یکی از عناصر مؤثر در هویت‌بخشی به فضاها و خاطره‌انگیزی محیط‌های شهری مطرح بوده و به شیوه‌های مختلف می‌تواند بر روان و احساسات انسان تأثیراتی عمیق داشته باشند. انتخاب رنگ‌ها توسط افراد، بر پایه عوامل متعددی از جمله؛ خصوصیات فردی، فرهنگ، هنجارهای

اجتماعی و نظایر آن صورت می‌گیرد. ماکس لوشر (۱۳۷۲) بعد از آزمونی که در مورد رنگ‌ها انجام داد، به این نتیجه رسید که تنش و نابسامانی در کاربرد رنگ در محیط، موجب بروز رفتارهای نامناسب شده است و می‌تواند بر شخصیت فرد تأثیر منفی داشته باشد. تکامل مطالعات در مورد رنگ به‌ویژه در دو دهه اخیر، پایه مستحکمی برای شناخت آن به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در شناخت هویت شهرها، بنا نموده است. این بررسی‌ها با اهدافی نظیر؛ تهیه طرح‌های جامع رنگ برای شهرها، ارزیابی نقش رنگ‌ها در سطوحی نظیر نماها و فضاهای شهری، شناخت نابسامانی‌ها و آلودگی‌های بصری ناشی از رنگ‌ها، ایجاد انسجام و هماهنگی در توسعه‌های آتی و برقراری رابطه بین فضاها و بافت‌های قدیمی و جدید شهرها و بهره‌مندی از رنگ‌های بومی و متناسب با فرهنگ مکان، انجام می‌شوند.

لانکلو را می‌توان پیشگام مطالعات رنگ در شهر دانست. او در مطالعات خود در مناطق مختلف فرانسه دریافت که ویژگی‌های اقلیمی و مؤلفه‌های طبیعی در ایجاد پالت رنگی شهرها، نقش منحصر به فردی دارند (O'Connor, 2006). همچنین، پورتر (1997) پژوهش‌هایی را در رابطه با طرح جامع رنگ محیطی با هدف به حداقل رساندن تأثیرات تغییر در هویت رنگی سکونتگاه‌های موجود به‌سبب تغییر مصالح و شیوه ساخت‌وساز و شناسایی طیف‌های رنگی جایگزین و سازگار با محیط، برای سکونتگاه‌های جدید انجام داده است. از نتایج حاصل از تحقیقات لانکلو، در مطالعات متعددی در سراسر جهان استفاده شد که از آن جمله، می‌توان به تحقیقات لیجیما (1997) بر روی تعدادی از شهرهای بزرگ و کوچک ژاپن با هدف رسیدگی به اغتشاش رنگی نماهای ساختمانی و ایجاد هم‌خوانی بین رنگ بناهای جدید و قدیمی اشاره نمود. طبق مطالعات فوت (1983)، نتایج حاصل از مطالعات نقشه رنگی منطقه بزرگی از شیکاگو نشان داده که رنگ‌ها، نقش استراتژیکی در ارتباطات بخش‌های مختلف این منطقه به‌ویژه روابط و بازاریابی شرکت‌ها و سازمان‌های بزرگ این ناحیه ایفا می‌کنند.

تأثیرپذیری رفتار انسان از رنگ محیط پیرامون خود، در مطالعات بسیاری از جمله (Lijima, 1997; O'Connor, 2006; Porter, 1997; Foote, 1983) مورد تأیید قرار گرفته است. اما در طراحی و سازمان‌دهی فضاهای شهری و عرصه‌های عمومی که خود از سویی بستر تعاملات و رفتارها بوده و متأثر از عوامل فرهنگی، اقلیمی، بیولوژیک، نمادین و ... (Mahnke, 1996) نیز است، چگونگی انتخاب رنگ‌ها اغلب به شکل سلیقه‌ای بوده و گاه متأثر از ضوابط مصوب طرح‌های بالادست، شکلی یکنواخت و خسته‌کننده پیدا می‌کند. در این راستا، رنگ در بستر طبیعی خود می‌تواند الگوی راهگشایی باشد؛ جایی که منظر با تغییر رنگ‌ها زمانمند و مکانمند شده و محیط پیرامون انسان را معنی‌دار می‌نماید. نتایج کنکاش در مطالعات رنگ در نقاط مختلف جهان که در مقیاس‌های متفاوت و با در نظر گرفتن ویژگی‌های زمینه‌ای خاص انجام شده، در شکل ۱ به اختصار آمده‌اند. بررسی پیشینه پژوهش در این زمینه نشان می‌دهد توجه به مسئله رنگ در بافت‌ها و فضاهای شهری تاریخی، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی در این‌گونه مطالعات مورد توجه قرار گرفته و در هر نمونه، با توجه به ویژگی‌ها و اهداف پژوهش، از روش‌های کیفی و کمی شامل روش‌های تخصصی برداشت و تحلیل رنگ استفاده شده است.

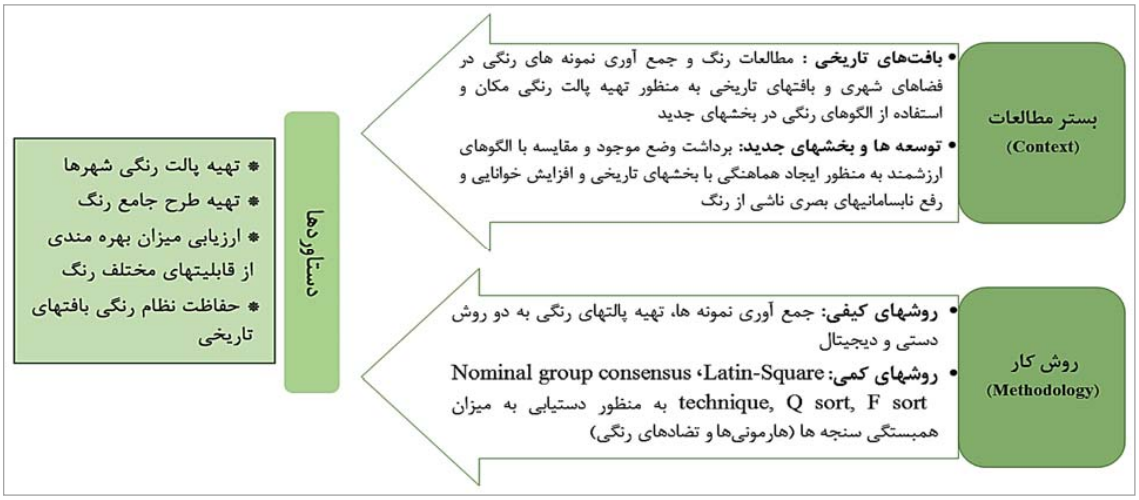

شکل ۱. گونه‌بندی مطالعات رنگ بر اساس پیشینه پژوهش (نگارندگان)

چارچوب نظری و روش‌شناسی پژوهش

تبیین مفهوم منظر

«منظر، به مفهوم ناحیه‌ای است که توسط مردم درک می‌شود، منطقه‌ای که ویژگی‌های آن، ناشی از تعامل مؤلفه‌های انسانی و طبیعی است و طبیعت، مناطق شهری، روستایی و حومه‌های شهری را در بر می‌گیرد. این مطلب می‌تواند شامل مناظری که باید تحت حمایت یا باززنده‌سازی و مراقبت قرار گیرند، مناظر عادی و روزمره و حتی مناظری که چهره‌ای نه‌چندان مطلوب دارند، نیز شود» (Council of Europe, 2000). منظر، پایه‌ای سیستماتیک را برای فهم الگوهای فضایی-مکانی و فرآیندهایی که در اطرافمان می‌بینیم و راهی که مردم محیط را با خواست‌ها و نیازهای آنها همسو کرده، بنا می‌نهد (swaffield, 2005: 12). مفهوم منظر، بیش از یک ناحیه را با کاربرد و یا عملکرد خاص در بر می‌گیرد. آنتروپ و ون‌اتدولد، منظر را به‌عنوان یک مفهوم ترکیبی و یکپارچه مورد توجه قرار می‌دهند که هم به حقیقت مادی فیزیکی که از یک تعامل دینامیک مداوم بین فرآیندهای طبیعی و فعالیت‌های انسانی ناشی شده و هم به ارزش‌ها و سمبل‌های ذاتی غیرمادی که منظر بر آنها دلالت می‌کند، برمی‌گردد (2000: 188). بنابراین تعامل بین طبیعت و فرهنگ، به‌عنوان یک ویژگی ضروری منظر مورد توجه قرار می‌گیرد (Palang et al., 2003: 85). شخصیت منظر، به‌عنوان توضیحی از یک هویت منحصر به فرد از یک منطقه یا یک کشور، مورد توجه قرار می‌گیرد که توسط افرادی که در آنجا زندگی می‌کنند، شکل گرفته است. بنابراین، منظر به بطن یک جامعه برمی‌گردد(Perdoli, 2000: 221) . توانایی منظر در ایجاد حسی قوی در آنچه که به ما تعلق دارد، از لذت زیبایی‌شناختی و از شگفتی در پیچیدگی اکولوژیک و همچنین، در بیان ارتباط بین جوامع است (Swaffield, 2005: 6).

منظر شهری

منظر شهر، سازگاری و یگانگی یک سری عناصر طبیعی و فرهنگی در یک منظره خاص است. عناصر فرهنگی و طبیعی، مناظری را تشکیل داده که یک ارزش بصری را چه به‌صورت جداگانه و چه به‌صورت ترکیبی ارائه می‌کنند. در یک چشم‌انداز و منظره طبیعی، گاهی عناصر طبیعی و گاهی عناصر فرهنگی برجسته‌تر است (Bulut et al., 2008). گلکار بر این باور است که محیط بصری و منظر شهری از طریق نظام پیچیده‌ای از نشانه‌ها و ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، جوامع خویش را به منصه ظهور می‌رسانند. در فرآیند تعامل میان انسان و شهر، محیط بصری به‌مثابه "فصل مشترک" این دو، زمینه ادراک، شناخت و ارزیابی محیطی شهروندان و بازدیدکنندگان را فراهم می‌آورد. شهرهای برخوردار از محیط بصری مطلوب قادر بوده تا با وسعت بخشیدن به تجربه زیباشناختی شهروندان، موجبات ارتقای تصویر ذهنی جامعه از خویش و تقویت غرور مدنی آنان را فراهم سازند (گلکار، ۱۳۸۷). از نظر حبیبی و دیگران، بافت قدیمی شهرها که بنا به دلایل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته، به‌دلیل آمیختگی نادرست با فرهنگ زندگی جدید، به‌تدریج هویت خود را از دست می‌دهد؛ اما به نظر می‌رسد توجه به منظر این بافت‌ها و سعی در ایجاد هماهنگی ساخت‌وسازهای جدید و قدیم به‌دلیل هویت‌بخشی و روان‌سازی جریان زندگی در محیط شهری، باید مد نظر قرار گیرد (۱۳۸۶). منصوری معتقد است بافت‌های تاریخی، فضاهایی خاطره‌انگیز را می‌آفرینند؛ هر چه در کم و کیف این خاطرات یادشده نقصان افتد، از شدت اشتراک ذهنی و مفهومی نسل‌های گوناگون کاسته می‌شود و در نتیجه آن اجتماع جدید، خود را کم‌خاطره از تاریخ و به‌تبع آن، بی‌هویت خواهد شناخت (۱۳۸۹).

منظر فرهنگی

یکی از رویکردهای اخیر مرتبط با الگوی منظر شهری پایدار، رویکرد "منظر فرهنگی" است که توجه ویژه‌ای به محافظت میراث ارزشمند سکونتگاه‌ها در راستای تحقق پایداری دارد. این رویکرد، اولین بار در سال 1992 توسط کمیته میراث جهانی یونسکو مطرح شد و طبق تعریف آن، یک منظر فرهنگی، ناحیه فیزیکی با عناصر و ویژگی‌های طبیعی است که به‌وسیله فعالیت‌های انسانی تغییر یافته و به یک مکان، شخصیت منحصر به فرد داده و روابط و تعلقات انسانی به آن منظر را منعکس می‌سازد (UNESCO, 2003). کمیته میراث جهانی یونسکو، منظر فرهنگی را به‌عنوان تمایز جغرافیایی سرزمین‌ها یا ویژگی منحصر به فرد آنها تعریف کرده است: نمایشی مرکب از آثار "طبیعی و انسانی" (Flower, 2003: 15). منظر فرهنگی در طول زمان شکل می‌گیرد و حاصل برهم‌کنش فعالیت‌های انسانی، فرآیندهای طبیعی و تأثیرات محیطی است (Hunziker, 2000). در تعریف کمیسیون میراث استرالیا (AHC)، در طبقه‌بندی مناظر فرهنگی، به این موارد اشاره شده است:

- مناظر تداعی‌کننده (ناشی از مشارکت گروهی افراد)، از جمله مناظر با مفهوم اعتقادی (یعنی مناظری که معنا و اهمیت آنها، ناشی از باورهای فرهنگی و سنت‌های

غیرمادی جوامع همچون؛ هنر، ادبیات، فرهنگ عامه و دین است).

- مناظری که منعکس‌کننده فرآیندهای فرهنگی بوده که هنوز هم فعال هستند.
- مکان‌های مربوط به یک فعالیت تاریخی یا یک دوره
- اماکنی که نشان‌دهنده لایه‌هایی از تاریخ هستند.
- مکان‌هایی که وابستگی فعالیت‌های تاریخی در سیستم‌های طبیعی را نشان می‌دهند.
- مناظر خطی
- اماکنی که از نظر موضوعی، با یک منظر در ارتباط هستند.
- اماکنی که نشان‌دهنده موضوعات و ارزش‌های مختلف باشند (AHC, 2002).
- منظر بافت‌های تاریخی شهری بنا بر تعاریف یونسکو، به‌عنوان یکی از اجزای اصلی مناظر فرهنگی مطرح می‌شود و در همین راستا نیز در قالب همایش بین‌المللی "میراث جهانی و معماری معاصر- مدیریت منظر فرهنگی شهرها" که زیر نظر یونسکو و کمیته جهانی میراث در سال ۲۰۰۵ برگزار شد، یادنامه وین تدوین شد که بر اساس آن، رویکرد "HUL"[۶] به‌منظور صیانت از منظر شهرهای تاریخی، به‌عنوان جزئی از منظر فرهنگی مورد تأکید قرار گرفت.

رنگ و سلسله مراتب مواجهه انسان با آن

مانک در کتاب خود با عنوان «رنگ، محیط و واکنش انسان»، بیان می‌دارد که انسان در شش سطح مختلف با رنگ مواجه می‌شود که این سطوح در ارتباط مؤثر با یکدیگر قرار دارند (Brown, 2008). هر سطح به او کمک می‌کند بداند که انتخاب رنگ از جانب او، چه وسعت و چه واکنش‌هایی را در محیط ایجاد خواهد کرد؛ مانک این شش سطح را در یک هرم، تقسیم و ترسیم می‌کند (شکل ۲). این شش قسمت، در واقع هرمی را تشکیل خواهند داد که هر چه از قاعده آن به رأس نزدیک شویم، وسعت دامنه تأثیرات و واکنش‌های ما در مواجهه رنگ کوچک‌تر خواهد شد (بختیاری‌فرد، ۱۳۸۸: ۹۵).

رابطه رنگ و نیازهای انسانی

«کیل هنگ» بر اساس سلسله مراتب مواجهه انسان با رنگ‌ها، هشت کارکرد اصلی برای رنگ‌ها ذکر می‌کند که ارتباط مستقیمی با سلسله مراتب نیازها دارند (جدول ۱). او در این خصوص، به بررسی ابعاد مختلف کارکردهای رنگ و رابطه آنها با انواع نیازهای گوناگون انسان پرداخته است. وی در این بحث، از مدل سلسله مراتب نیازهای انسانی "مازلو" بهره برده و این مدل را با کارکردهای متفاوتی که برای رنگ قائل است، ترکیب می‌نماید (Kil Hong, 2000).

هر کدام از کارکردهای رنگ، با یک یا چند سطح از مدل نیازهای «مازلو» در ارتباط نزدیک‌تری قرار می‌گیرد؛ به‌عنوان مثال، جهت نیل به سطح دوم نیازهای مازلو (ایمنی و امنیت)، کارکردهای ایمنی و پوششی رنگ، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شوند و یا سطح آخر نیازهای مازلو (زیباشناختی)، بیشتر به کمک ویژگی‌های نمادین و زیباشناختی رنگ تجلی می‌یابد. همچنین، با وجود آنکه سطوح مختلف تأثیرپذیری انسان از رنگ‌ها با تمامی کارکردهای رنگ مرتبط شده، ولی برخی از کارکردهای رنگ، با مراتب مختلف تأثیرپذیری انسان از رنگ‌ها ارتباط بیشتری دارند که در جدول ۲ مشخص شده است.

با توجه به آنکه گستره تأثیرات کارکرد زیباشناختی رنگ بر انسان، بسیار وسیع است و به‌عبارتی، دربرگیرنده بقیه کارکردهای رنگ نیز بوده، لذا بررسی و ارزیابی نظام رنگی محیط بر اساس ادراک زیباشناختی، گامی مهم در راستای استفاده صحیح و هدفمند از قابلیت‌های رنگ در فضای زیست انسان است.

زیبایی‌شناسی و سیر تکاملی آن

واژه "استتیک"[۷]، به معنای "زیباشناسی" از لغت یونانی کلاسیک "استانستا"[۸]، به معنای "ادراک کردن" و "استتا"[۹]، به معنای "موضوعات ادراک‌شده"، مشتق شده است (لیت، ۱۳۸۲). فرهنگ لغت آکسفورد، زیبایی‌شناسی را به‌عنوان مجموعه‌ای از قواعد که درباره طبیعت و ادراک زیبایی هستند، تعریف می‌کند(Oxford, 2010: 24).

اولین کسی که به زیبایی‌شناسی به‌طور مستقیم اشاره کرده، "افلاطون" است (کلی، ۱۳۸۳: ۴۷). در زمان "ارسطو" برای اولین بار، واژه زیبایی‌شناسی تا حدی شبیه به معنای امروزی آن و به‌صورت "aesthesis" به‌کار برده می‌شد که

شکل ۲. مدل سلسله مراتب مواجهه انسان با رنگ (Mahnke, 1996)

هم بر احساس و هم بر ادراک حسی دلالت می‌کرده و به‌طور کلی، ادراک از طریق حواس معنا می‌داده است (کالینسن، ۱۳۸۸: ۶۹). آکونیاس به‌عنوان چهره شاخص دوران قرون وسطی، معیارهای مشخص‌تری برای زیبایی ارائه کرده و زیبایی را مستلزم تحقق سه شرط می‌داند:

- تمامیت (یکپارچگی) یا کمال شیء
- تناسب یا هماهنگی
- وضوح (اشیایی که رنگ روشن و پرتلألو دارند، زیبا هستند) (مارگولیس، ۱۳۸۵: ۲۳ و ۲۴).

در دوران رنسانس و پس از آن، بری (۱۷۱۳-۱۶۷۱)، لاک (۱۷۰۴-۱۶۳۲) و هیوم (۱۷۷۶-۱۷۱۱)، مفاهیم زیباشناسی را از لحاظ روان‌شناسی مورد تحلیل قرار دادند. در این دوره، هاچیسون اعلام کرد که منشأ لذت از زیبایی، هم در خود شیء و هم در وجود ما است (شلی، ۱۳۸۵: ۳۴). کانت

جدول ۱. کارکردهای مختلف رنگ

کارکرد رنگ	توضیحات
ایمنی	برخی از رنگ‌ها، دارای خصوصیات هشداردهنده و یا بازدارنده هستند. محققان بر این باور بوده که این ویژگی، ریشه در پدیده‌های طبیعی محیط پیرامون انسان داشته و به‌مرور از سوی او به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده است.
پوششی	این ویژگی رنگ، بر مبنای میزان هم‌خوانی و یا تضادهای رنگی تعریف شده است و از طریق ایجاد حداکثر هم‌خوانی بین رنگ‌های موجود با بستر آن (شکل و زمینه)، ایجاد می‌شود.
فیزیکی	از آنجا که رنگ‌ها ماهیتی وابسته به نور داشته، بنابراین خصوصیات آنها نیز وابسته به فیزیک نور هستند. رنگ‌ها، دارای سطوح مختلف انرژی هستند؛ به‌عنوان مثال، رنگ قرمز، دارای انرژی فیزیکی بالاتری نسبت به رنگ آبی بوده و این موضوع، پدیده‌ای مستقل از احساس و ادراک انسان نسبت به رنگ‌ها است (سید صدر، ۱۳۸۰: ۱۴۵).
روان‌شناختی	بیرن معتقد است اظهار نظر مردم درباره رنگ‌هایی که دوست دارند یا دوست ندارند، نشانگر شخصیت و حالات روحی و روانی آنها است و به کمک رنگ‌ها می‌توان به ناشناخته‌های روح افراد نزدیک شد (۱۳۷۳).
درمانی	مربوط به تأثیرات فیزیولوژیک رنگ‌ها بر انسان است. تحقیقات متفاوت (به‌عنوان نمونه: لوشر، ۱۳۷۲؛ هانت، ۱۳۷۷؛ دوروتی سان، ۱۳۷۸)، مؤید اثرات رنگ بر فشار خون، ضربان قلب، سرعت تنفس، حواس جسمانی، اثرات درد و غیره هستند.
تمایزی	نقطه مقابلِ خصوصیت پوششی رنگ است و می‌توان به کمک انواع کنتراست‌های رنگ، بین اشیا و پدیده‌های مختلف، هویت، تمایز و تشخص ایجاد نمود.
نمادین	نماد یا سمبل، به شکل واقعیتی عینی و نشانه‌ای ملموس نمایان شده و اندیشه‌های انتزاعی و حقایق پنهان را بر ما آشکار می‌سازد. نمادها، در قالب نشانه‌ها و رنگ‌ها ظهور می‌یابند (شاهین، ۱۳۸۳: ۱۰۰). تاریخ نمادگرایی انسان نشان داده که او به رنگ، خاصیت نمادین بخشیده و گاه رنگ، از مهم‌ترین عناصر نمادپردازی شده است (نیکوبخت و قاسم‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۱۰).
زیباشناختی	به‌طور کلی، رنگ‌ها و نوع ترکیب و هم‌نشینی آنها، با مفهوم زیبایی عجین شده‌اند. هماهنگی و هارمونی رنگ، یک مرتب‌سازی خوشایند از عناصر رنگی بوده و یکی از ارکان زیبایی، دست‌یابی به هارمونی رنگ‌ها است (یختیاری‌فرد، ۱۳۸۸: ۴۹).

(نگارندگان)

جدول ۲. رابطه بین سطوح تأثیرپذیری انسان از رنگ و کارکردهای رنگ

کارکردهای رنگ / تأثیرات رنگ	ایمنی	پوششی	فیزیکی	روان‌شناختی	درمانی	تمایزی	نمادین	زیباشناختی
تأثیرات بیولوژیکی	*	*	*		*			*
تأثیرات ناخودآگاه	*	*		*				*
تأثیرات نمادین				*		*	*	*
تأثیرات فرهنگی				*			*	*
تأثیرات مرتبط با مد				*		*		*
تأثیرات فردی	*	*	*	*	*	*	*	*

(نگارندگان)

(1724-1804) نیز زیبایی‌شناسی را به دو بخش زیبایی و هنر تقسیم کرد. پس از کانت، زیبایی‌شناسان از منظر دیگری به موضوع نگریسته و دو مقوله بنیادی یافتند؛ "زیبایی‌شناسی محتوا" و "زیبایی‌شناسی صورت"، ولی نفوذ نظریات کانت از بین نرفت و افرادی چون شیلر(1759-1805) و هگل (1770-1831)، نظریات وی را بسط دادند. از دیدگاه هگل، تاریخ زیبایی، شامل سه دوره است؛ دوره استیلای ماده بر اندیشه، دوره تعادل ماده و اندیشه و دوره غلبه اندیشه بر ماده. هر یک از این سه دوره، نماینده سبکی ویژه بود. سبک سمبلیک متعلق به مشرق زمین، سبک کلاسیک متعلق به یونان و سبک رمانتیک متعلق به اروپای مسیحی (یوسفیان، ۱۳۷۹: ۱۳۷ و ۱۳۸).

در مجموع، می‌توان چنین نتیجه گرفت که بسیاری از نظریه‌پردازان، زیبایی را به‌عنوان یکی از خصایص اشیا می‌دانستند که منجر به تجربه لذت‌بخش در ادراک‌کننده‌ها می‌شود (تاتارکوویچ، ۱۳۸۱) و یا در مکاتب زیبایی‌شناسی متعددی که در خلال رنسانس ارائه شده، قوانین ریتم و تقارن، رابطه هماهنگ بین کل و اجزا و وحدت در عین کثرت، قوانین زیبایی تلقی شدند (پاکزاد و ساکی، ۱۳۹۳). در مقابل، دسته‌ای دیگر از نظریه‌پردازان، بر این عقیده هستند که هر چیزی می‌تواند زیبا باشد، مشروط بر آنکه حواس انسان را خشنود سازد. از این منظر به‌طور ناخودآگاه، زیبایی، تابعی از کیفیت‌های ادراکی ادراک‌کننده شده و در نتیجه هر گونه تلاش برای شناسایی معیارهای زیبایی را بیهوده می‌نماید (کاویانی، ۱۳۷۰). این در حالی است که تحلیل‌های فلسفی جدیدتر (Dewey, 1934; Beardsley, 1985; Ingarden, 1985; Dickie, 1962) با اتخاذ دیدگاهی تعاملی معتقد هستند حس زیبایی، از الگوهایی که مردم و اشیا را به هم مرتبط می‌سازند، نشأت می‌گیرد؛ بنابراین در این خوانش‌ها، تفسیر مفهوم زیبایی با مفاهیمی همچون لذت و ادراک ارتباط می‌یابد، در نتیجه، زیبایی، در تجارب پردازشی ادراک‌کننده جای داشته و از تعامل ویژگی‌های محرک‌ها و فرآیندهای شناختی و عاطفی ادراک‌کننده‌ها حاصل می‌شود (پاکزاد و ساکی، ۱۳۹۳: ۶).

زیبایی‌شناسی منظر شهر و روش‌شناسی مطالعات آن

مرور ادبیات منظر نشان می‌دهد که مباحث زیباشناسی، از مقوله‌ای با تأکیدات بصری- هنری، به مقوله‌ای با گرایش‌های ادراکی-معنایی، تغییر جهت داده‌اند. شاملو و حبیب این تغییرات را، تغییر از سبک پیتورسک (توجه به کثرت و تنوع، مقیاس انسانی، طبیعت‌گرایی و نظمی ارگانیک در فرم و ترکیب رنگ) به گرایش‌های معناشناسانه در زیباشناسی شهری تعبیر می‌کنند (۱۳۹۲) و به‌تدریج زیباشناسی شهری، از حوزه تأکیدات عینی و احساسی و تخصص‌گرایانه مربوط به کیفیت‌های بصری، به حوزه مطالعات ادراکی/ ذهنی انتقال یافت (امین‌زاده، ۱۳۸۹: ۴).

پاکزاد و ساکی (۱۳۹۳)، با نظر به خوانش‌های جدیدتر از مفهوم زیبایی‌شناسی، سه دیدگاه مختلف و متفاوت در این زمینه را بیان نموده که به‌طور خلاصه عبارت هستند از:

- دیدگاه زیست‌شناختی: این دیدگاه، بر وجود اساس بیولوژیکی برای توجیه ارزیابی‌های کیفی در ذهن انسان تأکید می‌نماید.
- دیدگاه ادراکی: در این دیدگاه، بیشتر بر تشریح فرآیند ادراک در انسان و بازشناسی جایگاه تجربه زیباشناسی در آن تمرکز شده است.
- دیدگاه روان‌شناختی گشتالت: بر اساس این دیدگاه، دریافت و ادراک اطلاعات در ذهن انسان در سه مرحله صورت می‌گیرد؛ در نخستین مرحله، الگوی مجرد دو بعدی اشکال رنگین ادراک می‌شود. در مرحله دوم، بُعد و حجم شیء در فضا احساس می‌شود؛ بدین صورت که ابتدا خط بیرونی شکل، ادراک شده و سپس قسمت‌های داخلی آن به نظر رسیده و رنگ و روشنایی آن نیز در این هنگام ظاهر می‌شود. در مرحله سوم، جنبه‌های نمادین مربوط به کارکرد حجم مذکور دریافت می‌شوند.

از میان سه دیدگاه فوق، دو دیدگاه ادراکی و روان‌شناختی گشتالت، در حوزه منظر، کاربرد بیشتری دارند. «بیردزلی» و «هاسپرس» (۱۳۷۶) بیان داشته که از دیدگاه روان‌شناختی، در ادراک هر پدیده زیبا، صرف نظر از زمینه بروز آن، سه عامل دخالت دارند: وحدت (آشفتگی تا هماهنگی)، شدت (بی‌محتوایی تا بیان‌حالی) و پیچیدگی (یکنواختی تا تنوع). این سه عامل، آنچنان که «سایمون بل» در کتاب «عناصر طراحی بصری در منظر» بدانها اشاره می‌نماید، از پارامترهای مهم در ادراک «زیباشناسی منظر» هستند (بل، ۱۳۸۷).

کریمی مشاور (۱۳۹۲) معتقد است بر اساس آرای نظریه‌پردازانی نظیر (Nohl, 2001; Chen et al., 2009; Junker et al., 2008) در بحث زیباشناسی منظر شهری، چهار رویکرد اصلی قابل‌استخراج هستند: زیبایی‌شناسی کالبدی[۱۰]، زیبایی‌شناسی روان‌شناسانه[۱۱]، زیبایی‌شناسی کارشناس‌محور[۱۲]، زیبایی‌شناسی مردم‌محور[۱۳] (جدول ۳).

"لوتیان" نیز در تحقیقاتی که در رابطه با روش‌های مطالعه و ارزیابی زیبایی‌شناسی منظر به انجام رسانده، دو پارادایم کالبدی و روان‌شناسانه را مطرح می‌نماید و معتقد است که

پارادایم کالبدی، بر اساس بررسی‌های فیزیکی اشیا تشریح شده و پارادایم روان‌شناسانه، بر اساس ترجیح‌ها و پاسخ‌گوها و از طریق راه‌حل‌های آماری، مورد بررسی قرار می‌گیرد. وی چنین نتیجه‌گیری می‌کند که پارادایم کالبدی، یک ارزیابی عملگرا از کالبد مناظر بوده و پارادایم روان‌شناسانه، با هدف درک پاسخ‌گویان و به‌عنوان ابزاری برای تشخیص عوامل کلیدی مؤثر در کیفیت مناظر، مطرح شده است(Lothian, 1999).

بر اساس آنچه گذشت، به نظر می‌رسد با توجه به رویکردهای مطالعه زیباشناسی شهری و همچنین رویکردهای مطالعه در باب رنگ محیط، طیف وسیعی از روش‌های پژوهش، قابل‌تعریف و پرداخت بوده که با توجه به هدف پژوهش باید تدقیق شوند (شکل ۳). در اینجا، تلفیقی از دو رویکرد اصلی در مطالعات زیباشناسی شهری (زیباشناسی ذهنی، روان‌شناسانه، مردم‌محور/ زیباشناسی عینی، کالبدی، کارشناس‌محور) مد نظر است که از طریق پرسش‌نامه و روش متخصص محور دلفی و با توجه به معیارهای مستخرج در رابطه با کیفیت‌های ادراک زیباشناسی نظام رنگی بافت تاریخی محله حسن‌آباد، انجام می‌پذیرد.

مورد پژوهشی: محله حسن‌آباد اصفهان (پشت گنبد)

محله حسن‌آباد واقع در منطقه ۳ اصفهان، از جمله قدیمی‌ترین محلات شهر اصفهان به شمار می‌رود. وجود عناصر ارزشمندی نظیر؛ بازارچه حسن‌آباد و چهارسوق مقصود، کاروانسرای مقصود بیک و نخجوانی‌ها، سرای رحیمه‌خاتون، سرای قالیباف‌ها، تعداد بسیار منازل تاریخی، مساجد و مدارس علمیه تاریخی و گذر سرپوشیده قدیمی معروف به کوچه تاریکی، سایت بسیار متنوعی را فراهم ساخته و از لحاظ مطالعات زیباشناختی نیز جایگاه ویژه‌ای دارند (شکل‌های ۴ و ۵).

روش استخراج، سنجش و تحلیل معیارها

همان‌گونه که گذشت، با توجه به چارچوب نظری، این پژوهش از هر دو پارادایم زیباشناسی منظر عینی (کالبدی و کارشناس‌محور) و زیباشناسی منظر ذهنی (روان‌شناسانه و مردم‌محور)، به‌منظور ارزیابی زیبایی‌شناسی منظر بافت‌های تاریخی با محوریت عنصر رنگ بهره برده است. با در نظر گرفتن مدل سلسله مراتب مواجهه انسان با رنگ و کارکرد زیباشناختی رنگ که دربرگیرنده تمامی سطوح تأثیرپذیری از رنگ است، در گام نخست، ابعاد مختلف ادراک زیباشناختی الگوهای منظر شهری مورد توجه قرار گرفتند (جدول ۴).

در گام بعد، با توجه به دو جنبه عینی و ادراکی مطالعات زیباشناختی منظر، پژوهش با دسته‌بندی اصول و کیفیت‌های مرتبط با زیباشناسی منظر، در چهار دسته کلی، به استخراج معیارها و زیرمعیارهای مربوط به ادراک زیباشناختی مؤلفه رنگ در منظر پرداخت. این معیارها نیز بر اساس نتایج مطالعات صورت‌گرفته توسط لانکلو(1977)، پورتر (1997)، سوئیرنف (2000)، هی یانگ (2000)، اکانر (2006)، گارسیا گودونر (2009)، چون(2007)، جان جانسنز(2009)، وان دوسلدورف (2010)، اردلان (۱۳۸۵)، بختیاری‌فرد (۱۳۸۸)، ترکاشوند (۱۳۸۸)، اردلان و بختیار (۱۳۹۰)، بلخاری (۱۳۹۰) و سایر منابع مرتبط با بحث رنگ، تدوین شده‌اند. علاوه بر معیارهای حاصل از بررسی منابع تخصصی و چارچوب نظری پژوهش،

جدول ۳. رویکردها در زیباشناسی شهری

رویکردهای متفاوت در زیباشناسی شهری	
زیبایی‌شناسی ذهنی	زیبایی‌شناسی عینی
زیبایی‌شناسی روان‌شناسانه	زیبایی‌شناسی کالبدی
زیبایی‌شناسی مردم‌محور	زیبایی‌شناسی کارشناس‌محور

(کریمی مشاور، ۱۳۹۲: ۴۹)

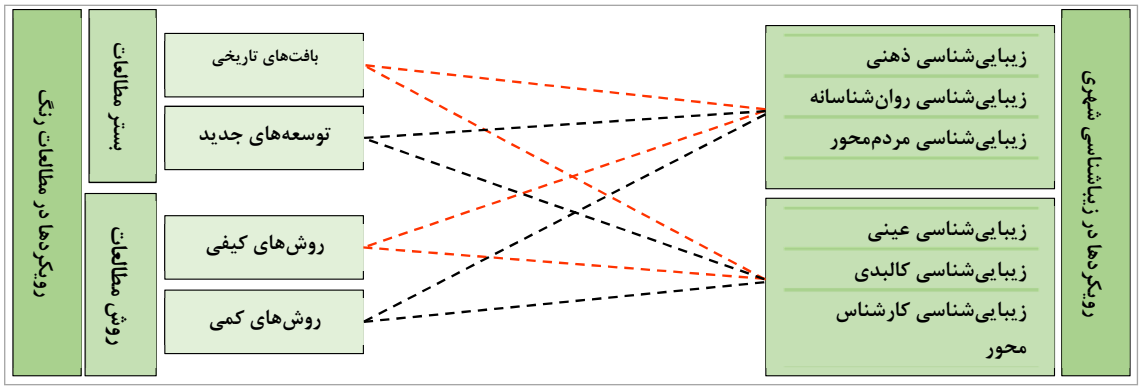

شکل ۳. تلفیق رویکردها در مطالعات زیباشناسی شهری و رنگ (نگارندگان)

پرسش‌نامه‌ای نیز به‌منظور استخراج نکات حائز اهمیت از نگاه مردم در رابطه با کیفیت حضور رنگ در فضا، تهیه شد؛ که در نهایت مجموع دو آیتم فوق، منتج به شکل‌گیری جدول اولیه معیارهای سنجش ادراک زیباشناختی رنگ در منظر شد. در مرحله بعد، به‌منظور ارزیابی کیفی میزان وجود یا عدم وجود این معیارها در فضا، از روش دلفی استفاده شد. با توجه به نو بودن دانش مطالعات رنگ در ایران و عدم وجود روش‌های تحلیل در این زمینه، استفاده از روش دلفی می‌تواند گامی نو در این راستا باشد. در گام نخست روش دلفی، جدول اولیه معیارها، توسط دوازده نفر کارشناس در زمینه معماری و شهرسازی که در جریان اهداف این پژوهش قرار گرفته بودند، مورد بررسی قرار گرفت و بر اساس اجماع به‌منظور نتیجه‌گیری بهتر، تغییراتی در جدول اولیه داده شد و هر دسته از کیفیت‌های دخیل در ادراک زیباشناختی منظر به همراه معیارها و زیرمعیارهای آن، در یک گروه قرار گرفت (گروه‌های A تا D) (جدول ۵). سپس از کارشناسان خواسته شد تا با حضور در فضا و بر مبنای مشاهدات و دانش شخصی خود، به این معیارها از ۱ تا ۵ امتیاز دهند (بسیار خوب: ۵، خوب: ۴، متوسط: ۳، ضعیف: ۲، بسیار ضعیف: ۱). به‌منظور همسانی بهتر ارزیابی‌ها، در مرحله حسن‌آباد، چهار حوزه لنگرگاهی که از لحاظ ادراک زیباشناختی پتانسیل بیشتری داشته، انتخاب شدند (شکل ۴). سپس، نتایج پرسش‌نامه‌ها با حضور کارشناسان مورد بررسی قرار گرفته و مجدداً معیارها در صورت نیاز اصلاح شدند. اگر در رابطه با امتیاز یک معیار، اتفاق نظر نسبی وجود داشت، می‌تواند از طریق استفاده از رنگ‌های هشداردهنده در کف و علائم راهنمایی رانندگی تأمین شود. در مقابل در گروه C با توجه به پیشینه تاریخی محله، از رنگ‌ها در جهت خلق نشانه‌ها به‌خوبی بهره برده شده است. همچنین از الگوهای رنگی دارای پیشینه نمادین نظیر؛ لاجوردی، فیروزه‌ای، زرد و سبز، در جهت ارتقای حس مکان استفاده شده است. در گروه D و A نیز قدمت محله، استفاده از مصالح بوم‌آورد و معماری هماهنگ و واجد ارزش مطلوب سبب شده تا کیفیت‌های این سطح در رابطه با استفاده از رنگ نسبتاً

شکل ۴. محله حسن‌آباد (نگارندگان)

شکل ۵. سمت راست: طرح سازمان بهسازی و نوسازی اصفهان برای محله حسن‌آباد، سمت چپ: عناصر و عرصه‌های واجد ارزش در حوزه‌های لنگرگاهی (نگارندگان)

جدول ۴. کیفیت‌ها و ارزش‌ها و اصول پیشنهادی برای منظر

الگوی منظر	اندیشمند یا رویکرد	کیفیت‌ها و ارزش‌ها و اصول پیشنهادی برای منظر
الگوی منظر شهری آرایشی/ تزئینی	نهضت "پارک‌سازی" (۱۸۷۰) نهضت "زیباسازی شهری" (۱۸۹۳) آموزه‌های کامیلو زیته (۱۸۸۹)	اندازه و ارتباط فضایی، تقارن و تناسب فضا و بنا، آرامش مجموعه و آرایش اشکال، تداوم و استمرار، نظم و ریتم و وحدت، عظمت، هندسه ناب
الگوی منظر شهری عملکردگرا/ برنامه‌محور	مکتب تجددگرایی نهضت ساختارگرایی	ساختارمندی، هندسه ناب زیباشناسی فانکشنالیستی، نظم
الگوی منظر شهری ادراکی/ زمینه‌گرا	گئورگی کپس (۱۹۴۴)	جهت‌یابی، ادراک بصری
	کوین لینچ (۱۹۶۰)	خوانایی، نقش‌انگیزی، هویت، ساختارمندی، معنی
	گوردون کالن (۱۹۶۱)	تباین و یکبارگی، توالی، تداوم بصری و فضایی، اصل ارتباط عناصر و اجزا
	جین جیکوبز (۱۹۶۱)	سرزندگی، امنیت، نفوذپذیری، گوناگونی و تنوع، پیاده‌مداری
	لارنس هالپرین (۱۹۶۳)	هویت، خلاقیت، رقص‌آرایی، هماهنگی در خط آسمان، جزئیات فضاهای باز، منظر شبانه
	اشپرای ریگن (۱۹۶۵)	طبیعت‌گرایی، انسان‌مداری، گوناگونی و تنوع فرم‌ها، هماهنگی جدید و قدیم، تداوم و پیوند فرم‌ها، آرایش فضایی عناصر، توجه به سنت، توجه به تصویر ذهنی شهروندان
	رابرت ونتوری (۱۹۶۶)	سرزندگی، غنای حسی، زمینه‌گرایی، معنا
	ادموند بیکن (۱۹۶۸)	هماهنگی، پیوستگی و تداوم، پویایی و تحرک، ساختارمندی، وحدت
	کریستین نوربرگ شولتز (۱۹۷۹)	حس مکان، مقیاس، پس‌زمینه هماهنگ، هویت، آرایش فضایی
	دونالد اپلیارد (۱۹۶۳)	تجربه بصری، دیدهای پی‌درپی، دانش شهری (تصویر ذهنی) رؤیت‌پذیری، تمایز فرم، اهمیت کارکردی و نمادین، خوانایی
	میشائیل تریپ (۱۹۷۴)	زمانمندی، تأکید بر ویژگی‌های فرمی، کارکردی و نمادین، محصوریت، شدت، چیرگی، وضوح، تضاد، یکتایی، نقش‌انگیزی
	آموس راپاپورت (۱۹۷۷)	معنا، فرهنگ‌گرایی، دسته‌بندی انگاره‌های ذهنی مبتنی بر فرهنگ بومی
	کالین رو (۱۹۷۸)	زمینه‌گرایی (توجه به رابطه نقش و زمینه)، نقد دیدشناسی
	ریچارد هدمن (۱۹۸۵)	هماهنگی عناصر، زمینه‌گرایی، توجه به جزئیات منظر، مقیاس، تناسبات، محصوریت
	فیلیپ ثیل (۱۹۹۶)	توالی و تداوم، پویایی و تحرک، محصوریت
	جک آل نسر (۱۹۸۸)	زیباشناسی، معنی، منظر ناپیدا، مهرانگیزی، منظر فرهنگی قابل‌بازشناسی، مقیاس
الگوی منظر شهری پایدار/ هوشمند	رویکرد برش عرضی (۱۹۹۰)	پایداری اکولوژیکی، طبیعت‌گرایی، تنوع، تداوم و یکپارچگی
	رویکرد HUL (۲۰۰۵)	زمینه‌گرایی، طبیعت‌گرایی، معنا، حس مکان، توجه به فرهنگ بومی

(نگارندگان، برگرفته از منابع پژوهش)

جدول ۵. معیارهای تحلیل نقش رنگ در ادراک زیباشناختی منظر

کیفیت‌های مرتبط با ادراک زیباشناسی	معیارهای تحلیل نقش رنگ در ادراک زیباشناختی منظر بسیار خوب		امتیاز بر اساس طیف لیکرت				
			بسیار خوب	خوب	متوسط	ضعیف	بسیار ضعیف
			۵	۴	۳	۲	۱
بوم‌گرایی/ اقلیم‌گرایی/ زیست‌پذیری	میزان بهره‌مندی از رنگ‌های طبیعت در فضا (A1)	۱. وجود فضای سبز شهری در محدوده (سرانه استاندارد در ایران: ۷ تا ۱۲ متر مربع)			*		
		۲. تنوع پوشش گیاهی (ترکیب درختان خزان‌پذیر و همیشه سبز، درختچه‌ها، گیاهان پوششی)				*	
		۳. استفاده از باغچه، گلجای و... در فواصل معین (۱۰۰ تا ۲۰۰ متر)					*
	استفاده از ترکیب‌های رنگی متناسب با اقلیم (A2)	۱. عدم استفاده از رنگ‌های بسیار تیره در اجزای فضا به‌سبب جذب گرمایی بالا		*			
		۲. عدم استفاده از رنگ‌های بسیار روشن و صیقلی به‌سبب ایجاد خیرگی	*				
	به‌کارگیری مصالح طبیعی که به‌سبب الگوهای رنگی، در هماهنگی با زمینه قرار دارند (A3).	۱. استفاده از انواع آجر به‌عنوان مصالح غالب به‌سبب هماهنگی اقلیمی و تاریخی (۶۰ درصد نما)	*				
		۲. عدم استفاده از نماهای پرده‌ای (کامپوزیت و آلومینیومی)	*				
		۳. عدم استفاده از نماهای شیشه‌ای و شیشه رفلکس (سطح شیشه پنجره‌ها و بازشوهای ساختمان در نمای اصلی، حداکثر برابر با ۲۰ درصد سطح کل نمای اصلی ساختمان مجاز	*				
ایمنی/ امنیت	استفاده از رنگ‌ها جهت افزایش ایمنی فضا (B1)	۱. استفاده از تابلوهای راهنمایی و رانندگی با رنگ‌های استاندارد بین‌المللی در مکان‌های ویژه					*
		۲. استفاده از تضاد رنگی در پیاده‌روها و مسیرهای ویژه عبور پیاده					*
		۳. تغییر در رنگ و مصالح کف فرش در ورودی گذرهای فرعی به اصلی				*	
		۴. تغییر در رنگ و مصالح کف فرش در محل تقاطع پیاده‌رو با مسیرهای سواره					*
		۵. هشدار به‌وسیله رنگ‌ها در مواضع پر خطر مانند؛ تغییر ارتفاع در سطح پیاده‌رو و محل قرارگیری دریچه‌های تأسیسات شهری با تغییر در رنگ کف					*
	عدم استفاده گسترده از رنگ‌های تند و برانگیزنده مانند قرمز برای کلیات فضا (بدنه‌ها، کف فرش) (B2).		*				
	عدم استفاده از رنگ‌های تیره برای فضاهای کوچک و دنج که موجب ایجاد فضاهای تاریک و در نتیجه، کاهش کیفیت نظارت و مراقبت می‌شود(B3).			*			
	استفاده از طیف‌های رنگی جهت تعریف عرصه‌های فضایی (B4)	۱. تعریف حریم‌های عمومی، نیمه عمومی و خصوصی با استفاده از طیف‌های رنگی متفاوت				*	
		۲. تعریف ورودی بناهای شاخص با تغییر در رنگ و فرم جداره‌ها، سنگ‌فرش و غیره		*			

ادامه جدول ۵. معیارهای تحلیل نقش رنگ در ادراک زیباشناختی منظر

کیفیت‌های مرتبط با ادراک زیباشناسی	معیارهای تحلیل نقش رنگ در ادراک زیباشناختی منظر بسیار خوب		امتیاز بر اساس طیف لیکرت				
			بسیار خوب	خوب	متوسط	ضعیف	بسیار ضعیف
			۵	۴	۳	۲	۱
هویت/ خوانایی/ مقیاس‌مندی	استفاده از رنگ‌ها و مصالح طبیعی بومی در جهت تقویت حس مکان و هویت (C1)	۱. رنگ زمینه شهر اصفهان برای بدنه و نمای ساختمان‌ها، رنگ "کِرم و بِژ" است (رنگ آجر سنتی).	❊				
		۲. استفاده از رنگ‌های روشن شامل؛ قهوه‌ای روشن، آبی فیروزه‌ای، لاجوردی، اخرایی و گلبهی با مصالح بوم‌آورد و مناسب که در معماری اصیل اصفهان، دارای سابقه و کاربرد بوده، به‌عنوان رنگ مکمل و برای تنوع در نما و بدنه ساختمان‌ها	❊				
		۳. در صورت استفاده از سنگ‌های طبیعی و مصنوعی در بدنه‌ها، این مقدار از ۳۰ درصد بیشتر نباشد.	❊				
	تعریف گروه‌های رنگی ویژه با توجه به ویژگی روان‌شناختی رنگ‌ها جهت افزایش خوانایی (C2)	۱. استفاده از طیف‌های جذاب و شاد و هماهنگ برای هر گروه از کاربری‌های تجاری				❊	
		۲. استفاده از رنگ‌های متناسب با هویت فضا (بژ، آجری و...) برای مکان‌های دارای سابقه تاریخی	❊				
		۳. استفاده از طیف‌های رنگی سبز و مکمل آن برای فضاهای سبز				❊	
	استفاده از کدهای رنگی مناسب و متفاوت برای نقاط ویژه و نشانه‌ها(C3)			❊			
	استفاده مناسب از پوشش‌گیاهی هم‌خوان با اقلیم به‌عنوان عامل ایجاد خوانایی فصلی(C4)					❊	
	استفاده از الگوهای رنگی دارای معنی نمادین در فرهنگ محلی (لاجوردی، فیروزه‌ای، زرد، سبز) (C5)		❊				
	میزان مطابقت رنگ محیط با سلایق رنگی مردم (از طریق تکنیک‌های پرسش‌نامه و مصاحبه انجام شد) (C6)			❊			
	میزان انتخاب آزاد رنگ از سوی ساکنان، تا حدی که موجب نابسامانی بصری نشده باشد (در حد جزئیات) (C7)				❊		
	استفاده از رنگ‌های جذاب در مکان‌های ویژه و نشانه‌ها برای افزایش کیفیت نفوذپذیری بصری (C8)				❊		
	تأکیدات بصری بر نقاط شاخص با استفاده از عنصر رنگ (C9)			❊			
	استفاده از طیف‌های رنگی متفاوت برای محلات مختلف به‌منظور ایجاد تشخص و خوانایی (C10)					❊	
	توجه به سرعت حرکت و مقیاس فضا در انتخاب تعداد و تنوع رنگ‌ها (فضاهای گذار در مقابل فضاهای مکث) (C11)				❊		
	استفاده از عنصر رنگ در جهت تقویت کیفیت سلسله مراتب فضایی با تغییر در شدت و تنوع رنگ (C12)				❊		
تناسبات بصری/ غنای حسی/ هماهنگی/ وحدت و پیچیدگی/ انسجام کالبدی/ رمزآلود بودن	به‌کارگیری طیف‌های رنگی مناسب(D1)	۱. استفاده از طیف‌های رنگی ملایم و گرم برای جداره‌ها	❊				

ادامه جدول ۵. معیارهای تحلیل نقش رنگ در ادراک زیباشناختی منظر

کیفیت‌های مرتبط با ادراک زیباشناسی	معیارهای تحلیل نقش رنگ در ادراک زیباشناختی منظر بسیار خوب		امتیاز بر اساس طیف لیکرت				
			بسیار خوب	خوب	متوسط	ضعیف	بسیار ضعیف
			۵	۴	۳	۲	۱
تناسبات بصری/ غنای حسی/ هماهنگی/ وحدت و پیچیدگی/ انسجام کالبدی/ رمزآلود بودن	به‌کارگیری طیف‌های رنگی مناسب(D1)	۲. عدم استفاده از تضادهای رنگی شدید برای سطوح بزرگ	*				
		۳. وجود هماهنگی رنگی بین کلیات جداره و جزئیات (تابلوها، الحاقات)			*		
	ترکیب مناسب هر دو گروه رنگ‌های آرام‌بخش (طیف‌های آبی و سبز) و برانگیزنده (طیف‌های زرد و قرمز) (D2)				*		
	ترکیب‌های رنگی مناسب بین عناصر کالبدی طبیعی و مصنوع(D3)					*	
	وجود تشخص در منظر شهری به‌سبب وجود هماهنگی بین فرم، عملکرد و رنگ (استفاده از رنگ‌های متناسب با نوع کاربری و فرم بنا) (D4)			*			
	سکانس‌های حرکتی تعریف‌شده (D5)	۱. وجود هماهنگی بین رنگ تابلوها در طول جداره				*	
		۲. وجود هماهنگی بین رنگ سایبان‌ها در طول جداره				*	
		۳. وجود هماهنگی رنگی در بازشوها و قاب پنجره‌ها				*	
		۴. تغییر رنگ سنگ‌فرش در طول مسیرها برای تأکید بر سکانس‌های حرکتی					*
	استفاده از رنگ‌های هم‌خوان در جداره‌ها جهت ایجاد ریتم و هماهنگی بین ارکان و اجزای نما(D6)					*	
	پیش‌آمدگی و عقب‌نشینی در نما، تزئینات، استفاده از جزئیات در جان‌پناه، خطوط بام، بالکن‌ها، ساباط‌ها و... که سبب افزایش گستره رنگی حاصل از تغییرات نور می‌شوند(D7).				*		
	وجود خوانایی در تابلوی کاربری‌ها به‌سبب انتخاب رنگ (با توجه به نتایج آزمایش کارل بوگراف) (D8)						*
	استفاده از پتانسیل هماهنگی و تضاد رنگی جهت ایجاد پیوستگی لبه‌ها (مرز فضاها) (D9)				*		
	استفاده از رنگ در جهت تقویت قوانین ادراک شکل (اصول گشتالت) (D10)	۱. اصل شباهت: استفاده از رنگ یکسان برای عناصر مشابه؛ به‌گونه‌ای که سبب تکرار فرم‌ها و یا اشتراک ویژگی‌ها در فرم‌ها شود (به‌عنوان مثال، رنگ مشابه پنجره‌ها)				*	
		۲. اصل نزدیکی: استفاده از رنگ‌های هم‌خوان برای عناصری که در ترکیب‌بندی نزدیک هم بوده و باید به‌عنوان یک گروه درک شوند (به‌عنوان مثال، استفاده از رنگ‌های مشابه در لبه‌های تجاری)				*	
		۳. اصل زمینه مشترک: استفاده از رنگ‌های هماهنگ برای عناصری واقع در یک حوزه که دارای زمینه مشترک هستند (به‌عنوان مثال، پهنه‌های مسکونی)		*			
		۴. اصل جهت‌گیری: استفاده از رنگ‌های هم‌خوان برای عناصری که به سمت جهت مشترکشان دسته‌بندی شده‌اند (به‌عنوان مثال، راسته محله‌ها یا کریدورهای دید به سمت عناصر شاخص)			*		

ادامه جدول ۵. معیارهای تحلیل نقش رنگ در ادراک زیباشناختی منظر

کیفیت‌های مرتبط با ادراک زیباشناسی	معیارهای تحلیل نقش رنگ در ادراک زیباشناختی منظر بسیار خوب		امتیاز بر اساس طیف لیکرت				
			بسیار خوب	خوب	متوسط	ضعیف	بسیار ضعیف
			۵	۴	۳	۲	۱
تناسبات بصری/ غنای حسی/ هماهنگی/ وحدت و پیچیدگی/ انسجام کالبدی/ رمزآلود بودن	استفاده از رنگ در جهت تقویت قوانین ادراک شکل (اصول گشتالت) (D10)	۵. اصل محصوریت: استفاده از رنگ‌های هم‌خوان برای عناصری که در ترکیب به شکل ناکامل و نیمه‌تمام بوده و باید به شکل کامل ادراک شوند (به‌عنوان مثال، دیوار زمین‌های بایر در پهنه‌های مسکونی)				*	
		۶. اصل تداوم: استفاده از رنگ‌های هم‌خوان برای عناصری که باید به شکل پیوسته ادراک شوند (به‌عنوان مثال، جداره مسیرهای اصلی)			*		
	استفاده از رنگ جهت افزایش عمر تماشا، جلوگیری از خستگی شناختی و رمزآمیز نمودن فضا در نقاط لنگرگاهی و مهم (D11)		*				
	پیروی از اصول رنگی با توجه به سبک و دوره معماری(D12)	سبک رازی: نظام تک‌رنگ تک مصالح و تک‌رنگ چند مصالح (رنگ‌های نزدیک)	*				
		سبک آذری: نظام چند رنگ چند مصالح (تنوع رنگی کم، استفاده محدود از رنگ‌های مکمل رنگ آجر، بیشتر به شکل کاشی‌کاری معقلی)					
		سبک اصفهان: نظام چند رنگ، تک مصالح و چند رنگ چند مصالح (تنوع رنگی زیاد با رنگ‌های لاجوردی، فیروزه‌ای، سبز، زرد، مشکی و اخرایی بیشتر به شکل کاشی معرق و هفت رنگ					
		سبک تهران (دوران قاجار): نظام چند رنگ چند مصالح (افزایش تنوع رنگی، کاربرد بیشتر رنگ بژ و زرد در تزئینات و نما) سبک تهران (دوران پهلوی): نظام چند رنگ چند مصالح (افزایش تنوع رنگی به‌سبب بهره‌مندی از تکنولوژی روز)					
	عدم وجود نماهای کثیف (دیوارنوشته‌های نامناسب و تأثیرات ناشی از آلودگی هوا) (D13)				*		
	استفاده از رنگ در جهت ارتقای کیفیت‌های منظر از دیدگاه میشاییل تریپ (D14)	۱. کیفیت‌های هندسی- موضع‌شناسی نظیر؛ شدت، چیرگی، وضوح، تضاد، یکتایی، نقش‌انگیزی		*			
		۲. کیفیت مناسبت‌ها (کیفیت روابط یا سازگاری‌ها در پیوند میان عناصر، کیفیت‌های مؤثر در طراحی سکانس‌ها نظیر؛ تباین، تکرار، یک‌مرتبگی، ضرب‌آهنگ، سلسله مراتب		*			
		۳. کیفیت‌های مؤثر بر رفتار نظیر؛ محدودیت بصری، محصوریت، تنگی و گشادی، توالی، ویژه شدن، تأکید		*			
	جمع		۷۰	۴۴	۳۶	۳۰	۷
			۱۸۷				

(نگارندگان)

میانگین امتیازها مورد قبول قرار گرفت و چنانچه در رابطه با یک معیار در یک یا تعدادی از پرسش‌نامه‌ها اختلاف نظر فاحشی دیده شد، دو حالت اتفاق افتاد:

چنانچه متخصص قادر به توجیه دیگران در رابطه با رأی خود بود، امتیاز آن حفظ و در صورت عدم توجیه، رأی وی از ارزیابی نهایی حذف شد.

اگر گروه قادر به توجیه فرد مورد نظر شد، متخصص، نظر اولیه خود را اصلاح کرده و به گروه ارائه می‌نماید.

به این ترتیب کل معیارها، امتیازدهی شده و نتایج مطالعه، مورد تحلیل قرار گرفتند.

تحلیل نتایج

همان‌گونه که گذشت، هر سطح از کیفیت‌های دخیل در ادراک زیباشناختی منظر به همراه معیارها و زیر معیارهای آن، در چهار گروه A تا D دسته‌بندی شد. نحوه این دسته‌بندی‌ها نیز بر اساس سلسله مراتب نیازهای انسانی مازلو که رابطه مستقیم با سطوح تأثیرپذیری انسان از رنگ دارد (جدول ۵)، انجام گرفت. محله حسن‌آباد از مجموع ۲۹۵ امتیاز (حداکثر امتیاز اکتسابی برای ۵۹ معیار ۵ امتیازی)، امتیاز ۱۸۷ را به خود اختصاص داد که برابر ۶۳ درصد حالت بهینه است (شکل ۶).

اما وضعیت چهار گروه A تا D نیز در این میان برابر نبود. گروه B با کسب ۴۴/۵ درصد، امتیاز "بسیار ضعیف" پایین‌ترین جایگاه و گروه C با کسب صفر درصد، بهترین جایگاه را به‌دست آوردند. گروه‌های D با ۷ درصد و A با ۵/۱۲ درصد، در جایگاه‌های بعد قرار گرفتند. مهم‌ترین کیفیتی که سبب امتیاز پایین گروه B شده و نمایانگر ضعف کاربرد رنگ در نمونه مطالعاتی بوده، کیفیت ایمنی است. این کیفیت

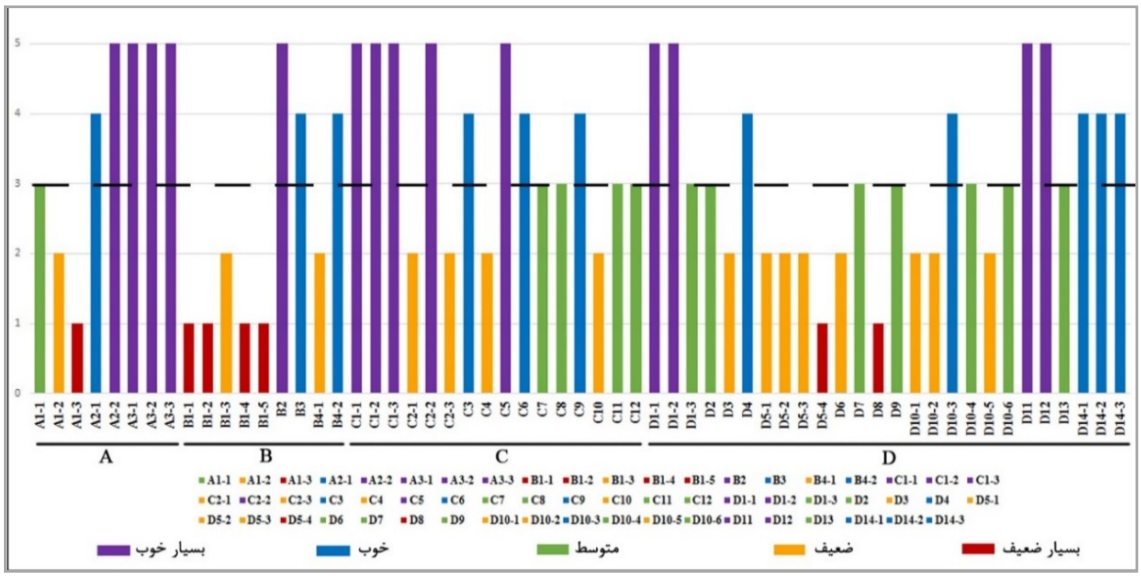

شکل ۶. امتیاز کسب‌شده توسط معیارها در چهار گروه A تا D بر اساس طیف لیکرت (نگارندگان)

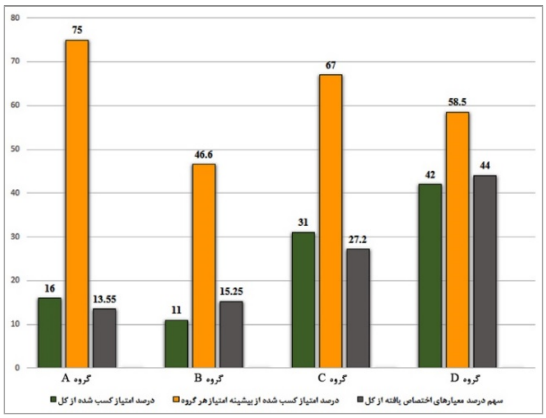

شکل ۷. مقایسه درصد امتیاز کسب‌شده در گروه‌های A تا D به نسبت سهم از کل (نگارندگان)

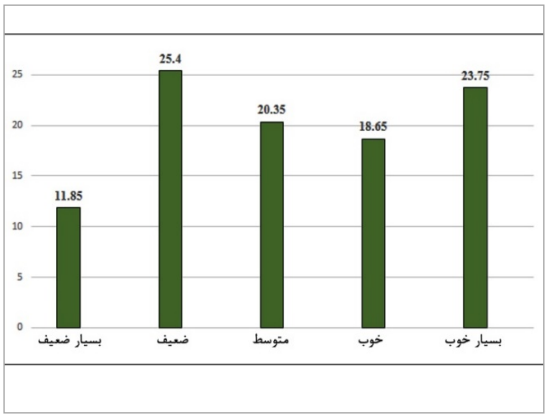

شکل ۸. درصد امتیاز کسب‌شده کل معیارها بر اساس طیف لیکرت (نگارندگان)

تأمین شوند و بیشترین کمبود، در جزئیات و ساخت‌های جدید بروز نماید. در گروه A، فقدان بهره‌مندی از ترکیب منظر طبیعی و مصنوع که سبب ارتقای کیفیت بوم‌گرایی و زیست‌پذیری می‌شود، در نمونه مطالعاتی مشهود است (معیار A1) (شکل ۶). همچنین از مقایسه "سهم درصد معیارهای اختصاص‌یافته به هر گروه نسبت به کل" و "درصد امتیاز کسب‌شده از بیشینه قابل‌کسب در هر گروه"، با وجود آنکه گروه A تنها ۱۶ درصد از امتیاز کسب‌شده از کل را به خود اختصاص داده، ولی موفق به کسب ۷۵ درصد از سهم امتیازهای گروه خود شده و چنانچه امتیاز معیار A1 ارتقا یابد، این گروه از شرایط بسیار مناسبی برخوردار است. در مقابل، گروه D با وجود کسب درصد امتیاز ۴۲ از کل، با توجه به سهم بالای معیارهای اختصاص‌یافته به این گروه و درصد امتیاز کسب‌شده نسبت به بیشینه امتیاز قابل‌کسب در آن (۵۸/۵ درصد)، با توجه به پتانسیل‌های محله می‌تواند از جایگاه بهتری برخوردار شود (شکل‌های ۷ و ۸) که این امر منوط به تهیه پالت‌های رنگی مکان در دو دسته عناصر اصلی و جزئیات و استفاده از الگوهای رنگی موجود در این زمینه برای ساخت‌وسازهای جدید است.

نتیجه‌گیری

رنگ‌ها واجد کیفیت‌هایی هستند که باید به‌گونه‌ای بسیار سنجیده و با توجه به سایر ویژگی‌های منظر، از آنها استفاده نمود. با در نظر گرفتن دامنه وسیع تأثیرات رنگ در ادراک زیباشناختی منظر، ارائه روش‌هایی که بتواند مطالعات رنگ را به‌گونه‌ای هدفمند میسر سازد، بسیار مهم و تأثیرگذار است. در این پژوهش سعی شد تا به ابعاد مختلف اثرگذاری رنگ بر ادراک زیباشناختی منظر پرداخته شود و نقاط قوت و ضعف در رابطه با چگونگی حضور رنگ‌ها در منظر مورد بررسی و مقایسه قرار گیرند؛ بدین ترتیب و بر اساس روند پژوهش، چهار گروه کیفیت به‌منظور شناخت و تحلیل "نظام رنگی" منظر بافت‌های تاریخی استخراج شده که هر دسته از این کیفیت‌ها با توجه به معیارهای خود، قابل‌ارزیابی هستند. این کیفیت‌ها در ارتباط مستقیم با سلسله مراتب نیازهای انسانی مازلو هستند. یافته‌های پژوهش نشان داده از میان معیارهای مستخرج در محله حسن‌آباد، بهره‌گیری از الگوهای رنگی دارای پیشینه نمادین در معماری مکان، استفاده از مصالح بوم‌آورد، تلفیق منظر طبیعی و مصنوع و حفاظت از پالت رنگی واجد ارزش در ساخت‌وسازهای جدید، نقش تعیین‌کننده در ارتقای ادراک زیباشناختی نظام رنگی منظر بافت‌های تاریخی ایفا می‌نمایند که تکمیل و بیان نظر قطعی در این زمینه، مستلزم بررسی بر اساس این روش پژوهش در نمونه‌های مطالعاتی متنوع است. آنچه که در این پژوهش به‌عنوان روشی برای انجام چنین مطالعاتی معرفی شد، با توجه به نو بودن مباحث مربوط به مطالعات رنگ در منظر شهری و فقدان تجربه‌ها و روش‌های تحلیلی آن در ایران، تنها معرفی تلاشی در این زمینه بود که مطمئناً با یاری و مساعدت صاحب‌نظران در این عرصه می‌تواند به شکلی بسیار کاربردی‌تر تکمیل و ارائه شود. همچنین پیشنهاد می‌شود مطالعات مربوط به تهیه "طرح جامع رنگ محیط" که پایه مستحکمی برای شناخت رنگ به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در شناخت هویت مکان‌ها است و روش‌های علمی و پرکاربرد "برداشت و تحلیل رنگ" به شیوه دیجیتال، به‌عنوان مطالعات مکمل و پشتیبان این پژوهش به‌عنوان جزئی از مطالعات رویکرد"HUL"، مورد توجه قرار گیرند.

پی‌نوشت

۱. در بسیاری از کشورها بر همین اساس و بر پایه حساسیت بر روی میزان مداخله، واژه مرمت به واژه حفظ و نگهداری تغییر یافت (Meraz, 2008: 31). حفاظت پیشگیرانه که هم‌اکنون بر انواع دیگر حفاظت که به درمان آسیب‌ها می‌پردازند، برتری یافته و سفارش می‌شود (Pye, 2001: 130-156; Williams, 1997: 199).

2. Cultural landscape

3. Vienna Memorandum

4. World Heritage and Contemporary Architecture- Managing the Historic Urban Landscape

۵. یادنامه وین توسط سه جلسه تخصصی اورشلیم (۲۰۰۶)، سن پترزبورگ (۲۰۰۷) و اوسفیدا برزیل (۲۰۰۷)، علاوه بر جلسات برنامه‌ریزی در مقر یونسکو (۲۰۰۸؛۲۰۰۶)، حمایت شده و به رسمیت شناخته شد .(Oers, 2007: 43-51)

6. Historic Urban Landscape: مناظر شهری تاریخی
7. Aesthetics
8. Aisthanesthai
9. Aisthteta
10. Physical aesthetic
11. Psychological aesthetic
12. Expert aesthetic
13. Public preferences aesthetic

منابع و مآخذ

- اردلان، نادر (۱۳۸۵). **اصفهان در مطالعات ایرانی**. ترجمه محمد تقی فرامرزی، چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر.
- اردلان، نادر و بختیار، لاله (۱۳۹۰). **حس وحدت سنت عرفانی در معماری ایران**. ترجمه حمید شاهرخ، چاپ دوم، اصفهان: خاک.
- امین‌زاده، بهناز (۱۳۸۹). ارزیابی زیبایی و هویت مکان. *نشریه علمی پژوهشی هویت شهر*، ۴ (۷)، ۱۴-۳.
- بختیاری‌فرد، حمیدرضا (۱۳۸۸). **رنگ و ارتباطات**. چاپ اول، تهران: فخراکیا.
- بل، سایمون (۱۳۸۷). **عناصر طراحی بصری در منظر**. ترجمه محمدرضا مثنوی، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- بلخاری، حسن (۱۳۹۰). حکمت و تأویل رنگ‌ها در هفت پیکر نظامی. *مجله کتاب ماه ادبیات*، ۱۵ (۱۶۳)، ۱۱۷-۱۰۹.
- بیردزلی، مونرو و هاسپرس، جان (۱۳۷۶). **تاریخ و مسائل زیباشناسی**. ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، چاپ پنجم، تهران: شهر کتاب.
- بیرن، فابر (۱۳۷۳). **خلاقیت در رنگ**. ترجمه جلال شباهنگی، چاپ اول، تهران: فرهنگان.
- پاکزاد، جهانشاه و ساکی، الهه (۱۳۹۳). تجربه زیبایی‌شناختی محیط. *نشریه علمی-پژوهشی هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی*، ۱۹ (۳)، ۱۴-۵.
- تاتارکوویچ، ولادیسلاو (۱۳۸۱). فرم در تاریخ زیبایی‌شناسی، زیبایی‌شناسی توماس اکوینی. ترجمه کیوان دوستخواه، *فصلنامه هنر*، ۸ (۵۲)، ۶۱-۴۶.
- ترکاشوند، نازبانو (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی کاربرد بومی رنگ‌ها در ایران با علم روان‌شناسی رنگ. *نشریه کتاب ماه ادبیات*، ۳ (۱۴۸)، ۴۱-۳۶.
- حبیبی، کیومرث؛ پور احمد، احمد و مشکینی، ابوالفضل (۱۳۸۶). **بهسازی و نوسازی بافت‌های کهن شهری**. چاپ دوم، تهران: انتخاب.
- دوروتی سان، هوارد (۱۳۷۸). **زندگی با رنگ**. ترجمه نغمه صفاریان پور، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی حکایت.
- سید صدر، سید ابوالقاسم (۱۳۸۰). **معماری، رنگ و انسان**. چاپ سوم، تهران: آثار اندیشه.
- شاملو، شبنم و حبیب، فرح (۱۳۹۲). تبیین مفهوم شناختی معیارهای زیباشناسی در منظر شهر. *نشریه علمی پژوهشی هویت شهر*، سال هفتم (۱۶)، ۱۴-۵.
- شاهین، شهناز (۱۳۸۳). بررسی رنگ در تئاتر و ادبیات و در آیین ملت‌ها. *نشریه هنرهای زیبا*، ۶ (۱۸)، ۱۰۸-۹۹.
- شلی، جیمز (۱۳۸۵). **تجربه‌گرایی: هاچیسون و هیوم**. چاپ دوم، تهران: فرهنگستان هنر.
- قلعه‌نویی، محمود و تدین، بهاره (۱۳۹۴). سنجش میزان بهره‌مندی از قابلیت‌های رنگ در راستای بهبود کیفیت خیابان‌های شهری. *دو فصلنامه آرمانشهر*، ۷ (۱۵)، ۲۶۰-۲۴۵.
- کالینسن، دایانه (۱۳۸۸). **تجربه زیباشناختی**. ترجمه فریده فرنودفر، چاپ دوم، تهران: فرهنگستان هنر.
- کاویانی، منصوره (۱۳۷۰). زیبایی و زیباشناسی. *فصلنامه فرهنگ*، ۲ (۸)، ۲۶۴-۲۴۳.
- کریمی مشاور، مهرداد (۱۳۹۲). رویکردها و روش‌ها در زیبایی‌شناسی شهری. *فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر*، ۱۰ (۲۴)، ۵۶-۴۷.
- کلی، مایکل (۱۳۸۳). **دایره‌المعارف زیبایی‌شناسی**. ویراستاری مشیت علایی، چاپ دوم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات هنری.

- گلکار، کوروش (۱۳۸۷). محیط بصری شهر سیر تحول از رویکرد تزئینی تا رویکرد پایدار. *مجله علوم محیطی*، ۵ (۴)، ۹۵-۱۱۳.
- لوشر، ماکس (۱۳۷۲). **روان‌شناسی رنگ‌ها**. ترجمه ویدا آبی‌زاده، چاپ پنجم، تهران: کیوان.
- لیت، کالین (۱۳۸۲). تجربه زیبایی‌شناختی. ترجمه فرزانه علیا، *مجله فرهنگستان هنر*، ۲ (۷)، ۴۹-۳۴.
- مارگولیس، جوزف (۱۳۸۵). **زیبایی‌شناسی در قرون وسطی، دانش‌نامه زیبایی‌شناسی**. ترجمه فرهاد ساسانی و دیگران، چاپ دوم، تهران: فرهنگستان هنر.
- منصوری، سید امیر (۱۳۸۹). نسبت هویت با سیمای شهر. *ماهنامه فنی تخصصی نما*، ۲ (۱۸۰-۱۷۹)، ۱۵۴-۱۵۰.
- نیکوبخت، ناصر و قاسم‌زاده، علی (۱۳۸۷). سمبلیسم نور و رنگ در عرفان ایرانی- اسلامی. *نشریه علمی پژوهشی مطالعات عرفانی*، ۴ (۸)، ۲۱۲-۱۸۳.
- هانت، رولاند (۱۳۷۷). **هفت کلید رنگ‌درمانی**. ترجمه ناهید ایران‌نژاد، چاپ اول، تهران: جمال‌الحق.
- یوسفیان، جواد (۱۳۷۹). نگاهی به مفهوم زیبایی‌شناسی. *نشریه علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*، ۴۳ (۱۷۷)، ۱۷۹-۱۳۵.

- AHC. (2002). **Australian Heritage Strategy**. Australian Government.
- Antrop, M. & Van Eetvelde, V. (2000). Holistic Aspects of Suburban Landscapes: Visual Image Interpretation and Landscape Metrics. *Landscape and Urban Planning*, 50, 43-58.
- Beardsley, M. C. (1985). **Aesthetics**. Indianapolis: Hackett.
- Brown, E. (2008). **Why do you like Red but I like Green**. *www.eb-color.com* (Retrieved 14April. 2008).
- Bulut, Z. & Yilmaz, H. (2008). Determination of landscape Beauties through Visual Quality Assessment Method: A Case Study for Kemaliye (Erzincan/Turkey). *Environ Monit Assess*, 141, 121-129.
- Chen, B & Bao, z. (2009). Assessment of aesthetic quality and multiple function of urban green space from the users' perspective. *Landscape and urban planning*, 93 (1), 76-82.
- Chun, J. H. (2007). Study on the Analyzing Street Scape Color: Focused on INSODONG, Seoul. International Association of Societies of Design Research. The Hong Kong Polytechnic University.
- Council of Europe. (2000). **the European landscape convention**. *http://www.coe.int/t/dg4/cultureheritage/conventions/landscape/default_en.asp*. (Retrieved 16November. 2014).
- Flower, P. (2003). World Heritage Cultural Landscapes, 1992–2002: A Review and Prospect. Cultural Landscapes. the Challenges of Conservation, Ferrara – Italy.
- Dewey, J. (1934). **Art and Experience**. New York: Putna.
- Dickie, G. (1962). Is Psychology Relevant to Aesthetics? *The Philosophical Review*, 71 (3), 285- 302.
- Foote, K. E. (1983). **Color in Public Spaces: Toward a Communication Based Theory of the Urban Built Environment**. Chicago: University of Chicago.
- Garcia-Codoñer, A.; Llopis Verdú, J.; Torres Barchino, A.; Villaplana Guillén, R. & Serra Lluch, J. (2009). Colour as a structural variable of historical urban form. *Color Research & Application*, 34 (3), 253-265.
- Hee Young, J. (2000). Case Study on Urban Street Environmental Color Planning Method for Improving the Image of City Environment.

- Hunziker, M. (2000). Impacts of changing agricultural activities on scenic beauty: A prototype of an automated rapid assessment technique. *Landscape Ecology*, 14, 161176-.
- Ingarden, R. (1985). **Select papers in aesthetics** (P. J. McCorick, Ed.). Washington, DC: Catholic University of Aerica Press.
- Janssens, J.; Kuller, R. & Mikellides, B. (2009). Color, Arousal, and Performance, A comparison of Three Experiments. *Color Research & Application*, 34 (2), 141- 152.
- Junker, B. & Matthias, B. (2008). Aesthetic preferences versus ecological objectives in river restoration. *Landscape and Urban Planning*, 85 (34-), 141- 154.
- Kil Hong, K. (2000). A Study about City Colors and Their Harmony Method, Thesis at Seoul national university.
- Lenclos, J.P. (1977). Living in Color. **Color for Architecture**. Porter, T. & Mikellides, B. (Eds.). London: Studio Vista, 134-141.
- Lijima, S. (1997). Cross-Cultural Color Differences of Commercial Facility between Great Britain and Japan. *Bulletin of Okayama marketing university*, 33 (2), 39-51.
- Lothian, A. (1999). Landscape and the philosophy of aesthetics: is landscape quality inherent in the landscape or in the eye of the beholder? *Landscape and Urban Planning*, 44 (4), 177-198.
- Mahnke, F. H. (1996). **Color, Environment and Human response**. NewYork: Van Nostrand Reinhold.
- Meraz, F. A. (2008). **Architecture and Temporality in Conservation Philosophy**. Nottingham.
- Nohl, W. (2001). Sustainable landscape use and aesthetic perception–preliminary reflections on future landscape aesthetics. *Landscape and Urban Planning*, 54 (14-), 223- 237.
- O'Connor, Z. (2006). **Environmental Color Mapping Using Digital Technology**. New South Wales, Australia: The University of Sydney.
- Oers, R. V. (2007). **TOWARDS NEW INTERNATIONAL GUIDELINES FOR THE CONSERVATION OF HISTORIC URBAN LANDSCAPES (HUL)**. *http://www.ct.ceci-br.org* (Retrieved 20 September. 2016).
- Oxford (2010). **Advanced Learner's Dictionary of Current English**. USA: Oxford University press.
- Palang, H. & Fry, G. (2003). Landscape Interfaces. Cultural Heritage in Changing Landscapes. Kluwer Academic Publishers, Dordrecht.
- Pedroli, B. (2000). Landscape – Our Home. Lebensraum Landschaft. Essays on the Culture of the European Landscape as a Task. Indigo. Zeist – Freies Geistesleben, Stuttgart
- Porter, T. (1997). Environmental color mapping. *Urban Design International*, 2 (1), 23- 31.
- Pye, E. (2001). **Caring for the Past: Issues in Conservation for Archaeology and Museums**. London: James & James.
- Swaffield, S.R. (2005). Landscape as a way of knowing the world. **The cultured landscape: designing the environment in the 21st century**. NewYork: Routledge. 3- 24.
- Swirnoff, L. (2000). **The Color of Cities :An International Perspective**. USA: Mc Graw, Hill Companies.
- UNESCO. (2003). World Heritage Cultural Landscapes, 1992–2002. A Review. Paris, UNESCO World Heritage Center.
- Van Dusseldorp, F. (2010). **12 colour propositions for urban planning**. NEDERLAND: Stichting Kleur Buiten.

- Williams, S. L. (1997). Preventive Conservation: the evolution of a Museum Ethic. **Museum Ethics**. Edson, G. (Ed.). London & NewYork: Routledge. 198 -206.

Received: 2017/07/23
Accepted: 2018/02/10

Evaluation of Color Order of Historical Fabrics Landscape with the Aesthetic Perception of Urban Scape Approach; Case Study: Hassanabad Neighborhood of Esfahan

Reza Abouei* **Mahmoud Ghaleh noee**** **Bahareh Tadayon*****

Abstract

Landscape presents a new view in relation to human and environment and the way the space is interpreted. The modern view of landscape to human and environment is the result of a change in the traditional and classical view to the relationship between human and environment. With this view, the approach "Conservation of Historic Urban Landscape", known as HUL, is one of the modern approaches provided to meet the requirements and widely protect the historical urban landscapes. This approach attempts to expand the prospects of historical conservation to all historical and cultural values shown in historical urban landscapes. One of the factors which can be specially taken into account is the "Color Order" of historical fabrics landscape, which is a reflection of native culture and identity of the place. The present research aims to present a method for the evaluation of "Color Order" of historical fabrics of landscape with a special view to issues and qualities involved in aesthetic perception. The research method of this study is descriptive-analytical; therefore, after analyzing the fundamentals and achieving the theoretical framework of the research, the evaluation criteria based on four quality groups involved in the aesthetic perception of location were extracted and were evaluated in Hassanabad Neighborhood using questionnaire and Delphi techniques. The research findings revealed that using color patterns with symbolic backgrounds in place architecture, using native materials, merging natural and artificial landscapes, and conservation of color pallets worthy to be used in modern construction play a determining role in the promotion of aesthetic perception of Color Order of historical fabrics of landscape.

Keywords: Color Order, Landscape, Aesthetic Perception, Historical Fabrics, Hassanabad Neighborhood of Esfahan

* Associate professor, Faculty of Conservation & Renovation, Art university of Isfahan, Isfahan, Iran.
** Associate professor, Faculty of Architecture & Urban Planning, Art university of Isfahan, Isfahan, Iran.
*** Ph.D. Student in Conservation of Historical Fabrics, Faculty of Conservation & Renovation, Art university of Isfahan, Isfahan, Iran.